

فضای شهری متأثر از فرهنگ اجتماعی: با بهره‌گیری از روش تئوری زمینه‌ای، مطالعه موردی: محله خواجه خضر کرمان^۱

مهديه فرحبخش^۱، کورش افضلی^۲، جواد معین‌الدینی^۳

۱- گروه شهرسازی، واحد شهید حاج قاسم سلیمانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

۲- گروه شهرسازی، واحد شهید حاج قاسم سلیمانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

۳- گروه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، واحد شهید حاج قاسم سلیمانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

چکیده

فرهنگ در زندگی روزمره مردم بسیار تأثیرگذار است. صاحب‌نظران بسیاری به فرهنگ از دریچه بعدی اجتماعی نگاه کرده‌اند و فرهنگ اجتماعی را مجموعه‌ای از رفتارهای روزمره مردم دانسته‌اند. فضاهای شهری ظرفی برای شکل‌گیری رفتار هستند. در خصوص جنبه‌های اجتماعی یک فضای شهری کارآمد از سوی اندیشمندان سخن بسیار رفته است. امروزه در نگاه به شهرها آن‌ها را عاری از جنبه‌های انسانی می‌توان دید، چه نگاه به ساخت و ساز شهری نگاهی صرفاً کالبدی است و کمی؛ و از احیای روح فرهنگی اجتماعی بافت‌های کهن، که همچنان با توانی شگرف علی‌رغم تمام بی‌مهری‌هایی که نسبت به آنها در گذر ایام رفته است، ادامه دهنده زندگی، حیات و سکونت هستند، هیچ اثری نیست. پژوهش پیش‌رو به دنبال یافتن تأثیر فرهنگ اجتماعی ساکنین محله‌های قدیمی بر فضاهای شهری محل زندگی‌شان است و سعی در تبیین چگونگی‌های تأثیر فرهنگ اجتماعی در فضاهای شهری محله از طریق مدل زمینه‌ای دارد. روش پژوهش کیفی است. داده در این مطالعه با انتخاب ۲۹ نفر از ساکنین محله به روش گلوله برفی و به وسیله مصاحبه نیمه ساختار یافته به دست آمده است، ضمن این که جمع‌آوری داده تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهند فرهنگ اجتماعی در شکل‌گیری فضاهای شهری محله خواجه خضر کرمان تأثیرگذار بوده و چگونگی آن در یک مدل زمینه‌ای شامل مقوله‌های شرایطی، تعاملی، پیامدی به تصویر درآمده است. این تأثیرگذاری تحت شرایط محله مرکزی برای زندگی (زندگی جمعی)، ارتقاء بعد کیفی زندگی، سرزندگی و ارتباط و در تعامل با تعلق و همبستگی (تعلق‌پذیری)، مشارکت و جامعه‌پذیری و مفهوم عضویت در خانواده بزرگ به ظهور رسیده و نهایتاً زیست‌امیدوارانه به عنوان پیامد شرایط و تعاملات مطرح شده خواهد بود. یافته‌های مطالعه حاضر خواهد توانست به عنوان مبانی پایه به جهت ساخت‌های جدید و همچنین در بحث بارآفرینی بافت‌ها مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: فرهنگ اجتماعی، فضای شهری، مدل زمینه‌ای، محله قدیمی، خواجه خضر کرمان.

^۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری در حال انجام با عنوان "تبیین الگوی نقش فرهنگ اجتماعی در شکل‌گیری فضاهای شهری محلات تاریخی شهر کرمان،

مطالعه موردی: محله خواجه خضر" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهید حاج قاسم سلیمانی کرمان می‌باشد.

^۲. نویسنده مسئول: afzali@iauk.ac.ir

مقدمه

در ادبیات شهرسازی فضاهای شهری بستر روابط اجتماعی به شمار می‌آیند. در واقع کیفیت فضا و محیط دارای اهمیت ویژه‌ای است و دربرگیرنده ابعادی روانی است که شاخص‌هایی چون رضایت و شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱: ۶۴). می‌توان در روند ساخت فضاهای شهری در محلات از رویکردهای صرفاً کالبدی فاصله گرفته و به جنبه‌های کیفی تاثیرگذار بر این فضاها بیشتر پرداخت، تا از این ره نیاز ذاتی انسان‌ها را برای ایجاد رابطه برآورده ساخت. در سالیان اخیر اقدامات نهادهای مسئول مدیریت شهری در محله‌های کرمان تنها بر اساس توجه به ابعاد کالبدی بوده، از همین رو نیاز به شناسایی جایگاه درست عامل فرهنگ اجتماعی در محله جهت انجام اقدامات و برنامه‌های شهرسازی جدید و ساماندهی و احیا بایستی جدی گرفته شود چه عدم توجه به این جریان سبب از دست رفتن هر چه بیشتر ارزش‌ها، فرهنگ و تاریخ، نابودی مکان‌ها و در نتیجه پویایی در بافت تاریخی و همچنین عدم حضور روح زندگی در محلات جدید شهری است. دگرگونی در مقتضیات زندگی انسان‌ها اثرات ناخوشایندی بر نحوه زیست انسان در محله داشته و عملاً کارایی محله در پاسخگویی به نیازهای ساکنین از بین رفته است کما اینکه عدم حس تعلق و وابستگی به محیط زندگی و نبود ارتباط اجتماعی از جمله مشکلات شهرها و محله‌های معاصر است. گل معتقد است در عصری هستیم که ابعاد انسانی محله بیش از هر زمان دیگری مورد توجه طراحان شهری است (گل، ۲۰۰۲: ۶). به دنبال این وضعیت جدید فرایند جامعه‌پذیری دچار اختلال شده است (محمدی زاده سماکوش و دیگران، ۱۴۰۰: ۱-۱۶). در این راستا محله خواجه خضر کرمان رامی توان مصداقی از محله‌های قدیمی دانست که علی‌رغم تغییرات گسترده همچنان می‌توان فضاهای شهری را که از هجوم زمانه در امان مانده است، در آن یافت. هدف پژوهش تلاش در شناسایی و ارزیابی فضاهای شهری محله متأثر از فرهنگ اجتماعی ساکنین آن و بررسی اصول و معیارهای فرهنگ اجتماعی است.

این پژوهش رویکردی کیفی داشته و از مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته به عنوان ابزار کیفی گردآوری داده‌ها و از نظریه زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها بهره گرفته است. نظریه زمینه‌ای می‌تواند داده‌های گردآوری شده در محیط تحقیق را سازماندهی کرده و به تبیین نظریه مستخرج از واقعیات و داده‌های میدان مطالعه بپردازد (لک، ۱۳۹۳: ۴۶). این روش زمانی مناسب است که پژوهشگر به دنبال کشف حوزه‌های جدید مرتبط با موضوع بوده و یا در پی آن است که حوزه‌های شناخته شده را از زاویه جدید و تازه ببیند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۵: ۳۴) با توجه به رویکرد متفاوت این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های پیشین نسبت به موضوع تاثیر فرهنگ بر فضاهای شهری و اتخاذ دیدگاهی کل‌نگر روش نظریه زمینه‌ای می‌تواند روش مناسب برای این پژوهش باشد. نمونه‌گیری این پژوهش مانند سایر پژوهش‌های کیفی از نوع غیر احتمالی یا هدفمند است که در آن انتخاب مشارکت‌کنندگان با هدف کسب بیشترین اطلاعات در مورد پدیده مورد بررسی انجام می‌شود لذا در مرحله گردآوری داده کار نمونه‌گیری هدفمند به شکل نظری انجام می‌گیرد. در این میان به دلیل ویژگی ابزار تحقیق یعنی مصاحبه عمیق که برخلاف پرسشنامه با تعداد محدودی انجام می‌گیرد انتخاب مصاحبه‌شوندگان اهمیت دو چندان می‌یابد. با توجه به سنجش تاثیر فرهنگ اجتماعی در این پژوهش ضرورت دارد مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند از ساکنین طولانی مدت محله به دلیل داشتن اطلاعات وسیع در خصوص فضاهای شهری محله و همچنین خاطرات مفصل از محله انتخاب شود. مصاحبه‌ها به صورت چهره به چهره در سطح محله و بعضاً در خانه‌های مشارکت‌کنندگان

صورت گرفته و اظهارات افراد با کسب اجازه از آنها ضبط شد. در این پژوهش داده‌ها بر اساس مصاحبه با ۲۹ نفر از ساکنان محله ذکر شده به دست آمده است. حجم نمونه در این روش نمونه‌گیری به اشباع نظری سوال پژوهش بستگی داشته است. یعنی مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که به نظر رسید پاسخ‌ها مشابه شده‌اند.

سوال اصلی پژوهش عبارت است از: در محله خواجه خضر کرمان فضاهای شهری محله از فرهنگ اجتماعی ساکنین خود چگونه تاثیر پذیرفته است؟ برای پاسخگویی به این سوال در مصاحبه نیمه ساختار یافته سه سوال از مصاحبه شونده‌ها پرسیده شد که عبارت بودند از: ۱- چه تفاوتی بین محله‌ها و کوچه‌های امروزی با قدیمی میبینید؟ ۲- آیا از بودن در این محله راضی هستید؟ چرا؟ ۳- کوچه‌ها و معابر و فضاهای موجود در محله شما را به یاد چه چیزهایی می‌اندازد؟ در نظریه زمینه‌ای محقق به صورت عینی درگیر گردآوری داده و تحلیل است ماهیت استقرایی این نظریه به ویژه باعث خلاقیت محقق شده فرایند پژوهش را منعطف می‌سازد (محمدپور، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

در مطالعه حاضر به فراخور گفت و گوی پیش‌آمده سوالات بیشتری برای دستیابی به اطلاعات پرسیده می‌شد. تحلیل داده‌ها در روش نظریه زمینه‌ای از طریق کد گذاری صورت می‌گیرد لذا گذاری‌های باز، محوری و انتخابی بر روی داده‌ها انجام شد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۵: ۱۸۷). به جهت اعتباریابی این پژوهش از تکنیک‌های مقایسه مستمر، کنترل عضو و نیز تکنیک ممیزی استفاده شده است. مقایسه دائم از طریق بازگشت داده‌ها برای چندین مرتبه در طول تحلیل جهت تشخیص مقوله‌ها و همپوشانی آن‌ها صورت گرفته است همچنین داده‌ها و یافته‌های پژوهش با برخی از مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته شد و از آنها خواسته شد تا میزان همخوانی نتایج و تجربیات خود را ارزیابی کنند لذا اعتبار این‌ها به شیوه کنترل عضو مورد تایید قرار گرفت. بخش‌هایی از دست‌نوشته‌ها و کدهای ابتدایی توسط دو متخصص کیفی بازبینی شد (Johnson, 1997: 283). این روش جانسون که آن را بازبینی خبرگان می‌داند از دیگر استراتژی‌های ارتقای روایی در پژوهش‌های کیفی است.

مبانی نظری

فرهنگ به عنوان پدیده‌ای طبیعی در شکل‌گیری هویت معماری نقش اساسی دارد (استرابی آشتیانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۴۱ تا ۲۵۹). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی یکی از کم‌تعریف پذیرترین مفاهیم است. به بیان ساده فرهنگ یک پدیده اجتماعی است که از سویی در تلاش انسان‌ها برای پاسخگویی به نیازهای گوناگونشان پدید می‌آید و از سوی دیگر راهنمای فکر و عمل انسان‌ها برای رفع نیازهایشان است. مثلاً در یک جامعه نیاز به غذا باعث ایجاد روش خاصی برای کشت و کار می‌شود که در اثر گذشت زمان بکار گرفتن این روش و تکرار روش توسط اعضای جامعه بخشی از فرهنگ شان می‌شود. (افروغ، ۱۳۷۹: ۷-۲۱). مید فرهنگ را مجموعه‌ای از رفتارهای آموختنی، باورها، عادات و سنن که میان گروهی از افراد مشترک است می‌داند که به گونه‌ای متوالی توسط دیگران وارد آن جامعه شده و به کار گرفته می‌شود. (Mead, 1955: 232) جهت ارائه تعریفی از مفهوم فرهنگ عمومی [اجتماعی] نیز تلاش‌های بسیاری صورت پذیرفته است. با این وجود همچنان بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران با پیچیدگی‌های زیادی در خصوص مفهوم و مصداق این اصطلاح دست به گریبان هستند که خود شامل دلایلی است. یکی اینکه در بحث‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی، فرهنگ از مفاهیم دیگر متمایز نشده و این که درک روشنی از مفهوم عمومی (اجتماعی) وجود ندارد. پاسدار و صادقی معتقد هستند: "فرهنگ و باورهای هر قوم در

کالبد معماری و ساختار شهری نمود می‌کند، برگزاری آیین‌های جمعی، قواعد خاصی را به جا می‌گذارد که از جهتی مستقل از تاثیر سایر عوامل محیطی است و نظمی آیینی را در شکل‌گیری فضای شهری اعمال می‌کند (پاسدار شیرازی و صادقی، ۱۳۹۳: ۳۰۲). تلاش در تعریف اصطلاح فرهنگ اجتماعی از سوی اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی در این تعاریف آمده است:

محسن فردرو و دیگران فرهنگ عمومی [اجتماعی] را مجموعه منسجم و نظام یافته‌های از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت می‌دانند (فردرو، ۱۳۸۰: ۳۹). در تعریفی دیگر سید جعفر مرعشی می‌گوید: شخصیت اجتماعی مردم یک جامعه در فرهنگ عمومی [اجتماعی] آن خلاصه می‌شود و اهداف و کیفیت و مسیر حرکت به سوی تعالی یا زوال و عقب افتادگی آن جامعه تحت تاثیر فرهنگ عمومی [اجتماعی] است (مرعشی و دیگران، ۱۳۷۶: ۵۹-۶۲). در نگاهی که ادیبان به فرهنگ عمومی دارد آنرا شامل گسترده ترین و فراگیرترین باورها، نگرشها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، الگوها و عادات رفتاری یک جامعه تعریف می‌کند که از طریق بیشتر مردم در زندگی فردی و اجتماعی به کار رفته و اعتقادات و اخلاق و ملکات و روشهای زندگی مردم از طریق آن متجلی می‌شود (ادیبان، ۱۳۸۷: ۸). ذو علم نیز در تعریف مختصر خود فرهنگ اجتماعی را رفتارهای فرهنگی متعارف جامعه یا رفتار متعارف عموم مردم جامعه قلمداد کرده است (ذوعلم، ۱۳۷۹: ۴۵). ناصر فکوهی معتقد است که فرهنگ عمومی را می‌توان سطحی از انباشت فرهنگی و ساختارهایی از عادت واره‌های اجتماعی دانست که قادر باشد بیشترین گسترش را در یک جامعه و در یک زمان مشخص پیدا کند (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸). شالچیان نیز در تعریفی که دارد فرهنگ عمومی یا اجتماعی را عرصه ای از فرهنگ می‌داند که تولید کننده و مصرف کننده آن جامعه است ضمن اینکه این جریان صرف نظر از وابستگی آنها به طبقه اجتماعی خاص یا سطح تحصیلات و یا حرفه آنها خواهد بود و معتقد است آداب معاشرت، مراعات حقوق دیگران، نظم و وجدان کاری، انضباط اجتماعی و مسائلی از این دست زیر مجموعه ای از این فرهنگ است (شالچیان، ۱۳۷۳: ۷۲). کاپیک فرهنگ عمومی را جنبه‌ای از فرهنگ می‌شمارد که با عامه مردم در ارتباط است و محدود به یک قشر یا موقعیت خاص نخواهد بود (Copic, 2012: 96). شافر نیز معتقد است هر آن چیزی که عامه مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دارند (از نحوه لباس پوشیدن گرفته تا آداب معاشرت و نحوه رانندگی رعایت حقوق همسایه صیانت از منابع طبیعی و فضای سبز محلی و توجه به تحصیل فرزندان ابراز همدردی و افراد گرفتار چه در سطح محلی و منطقه‌ای در سطح بین‌المللی آداب و سنن مذهبی و عرف اجتماعی رفتار در کوچه و خیابان و ورزشگاه و...) در حوزه فرهنگ عمومی قرار دارند. (Shaffer, 2008: 74) در تعریفی دیگر اینگلههارت فرهنگ عمومی را حوزه‌ای از عقاید ارزش‌ها و هنجارها می‌شمارد که اجبار اجتماعی از آن حمایت نموده و در میان اکثریت جامعه مقبول است (Inglehart, 2010: 187). گیدنز نیز فرهنگ اجتماعی را مجموعه منسجم و نظام یافته از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ قوم یا ملت معرفی می‌کند و معتقد است آنچه در یک جامعه ظهور عمومی دارد رفتار، منش و عرف جامعه یا همان معیارهای اجتماعی است که به سادگی می‌تواند به وصف در آید (گیدنز، ۱۳۷۳: ۸۳). از آنجا که در فرهنگهای متفاوت لغات فارسی واژه‌های عمومی و اجتماعی به صورتی مترادف با یکدیگر ذکر شده اند در این تحقیق از تعاریف فرهنگ عمومی نیز برای پیشبرد مطالعه استفاده شده است.

رضایی شریف در مطالعه ای که انجام داده می‌گوید طبق نظریه های حوزه روانشناسی و علوم اجتماعی با شرکت افراد در فعالیت های عرفی جامعه پیوند فرد با ارزش ها و قواعد جامعه افزایش می یابد و در نتیجه به اجتماع پذیری افراد و ارتقاء مشارکت اجتماعی خواهد انجامید (رضایی شریف، ۱۳۹۱: ۱۳۲). از طرفی شرکت افراد در فعالیت های آیینی سنتی که از اعتقادات و باورها نشات گرفته باعث افزایش دلبستگی و تعهد آنها به محیط زندگی می‌شود. تعدادی از مصادیق فرهنگ عمومی بر اساس مطالعه پین شامل این موارد است: مراسم و آیین ها (مذهبی، ملی، فرقه ای، خانوادگی)، بازی ها (وجوه فرحبخشی - جذابیت، دراماتیک و دنبال کردن ماجرا همراه با مشارکت فعال)، نمایشگاه ها و جشنواره ها (نمایش - موسیقی)، کالاهای فرهنگی عامه پسند (داستان، ترانه، نمایش) (پین، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۵۰)

محدوده مطالعه

شهر کرمان با جمعیت حدود ۷۱۲۰۰۰ (مرکز آمار ایران سال، ۱۳۹۳) با ارتفاعی حدود ۱۷۵۵ از سطح دریا در فلات مرکزی ایران و در سمت شمال استان کرمان واقع است. محدوده بافت تاریخی به ۳۰ محله قدیمی تقسیم شده است که حدود ۴۰۰ هکتار مساحت دارد. این محلات همه شهر در دوران قاجار و بخش اصلی توسعه شهر را تا سال ۱۳۰۰ در بر گرفته است. یکی از این محلات محله خواجه خضر است. محله خواجه خضر که اکنون خود مجموعه ای از چند محله قدیمی شامل خواجه خضر، باغ لله، قبه سبز، بازار عزیز و قطب اولیا است حدفاصل خیابان ابوحماد (شهید کامیاب) سمسام شریعتی شمالی جنوبی (چمران) قرار گرفته است.

یافته‌ها

با توجه به سوال اصلی پژوهش، در تحلیل محتوای ۲۹ مصاحبه انجام شده در این پژوهش ۶ مقوله محوری عمده تبیین شده است: محله مرکزی برای زندگی (زندگی جمعی)، ارتقاء بعد کیفی زندگی، سرزندگی و ارتباط، تعلق و همبستگی (تعلق پذیری)، مشارکت و جامعه پذیری و مفهوم عضویت در خانواده بزرگ، زیست امیدوارانه. مقوله هسته‌ای مرتبط با کلیه مقولات دیگر "باز تجربه فضای شهری در سایه فرهنگ اجتماعی" شناخته شد.

جدول ۱. خلاصه کدگذاری‌ها در مراحل اولیه، محوری، گزینشی

شماره	مفاهیم	مقوله	نوع مقولات	مقوله هسته
۱	آسایش ذهنی و جسمی آسایش - امنیت - راحتی استفاده - دیدار دیگران در محله - شخصی سازی فضا - روابط بین گروهی - برنامه‌های مذهبی و فرهنگی - فضاهای با قابلیت دیدار مکث تجمع - ورود و خروج به فضا برای همه - پایبندی به هنجارها - افزایش همبستگی‌های اجتماعی ساکنان محله - انجام رسوم سنتی در فضاهای محله - استفاده از فضاهای محله برای انجام رسوم سنتی - مالکیت معنوی ساکنان بر معابر عمومی	محله مرکزی برای زندگی (زندگی جمعی)	شرایطی	
۲	رابطه عاطفی بین ساکنین - اعتماد و همدلی - دلگرمی نسبت به حمایت - حس همکاری متقابل - دوستی و الفت بین اعضا - افزایش مشارکت ساکنان محله به واسطه وجود فضاهای شهری با قابلیت تجمع و دیدار - توجه به نیازهای اجتماعی ساکنین	ارتقاء بعد کیفی زندگی	شرایطی	
۳	آیین‌های مختلف جمعی - خاطره سازی در فضا - تجمع‌های	سرزندگی و	شرایطی	

ارتباط	جنسیتی مختلف زنانه مردانه و بچه گانه در زمانهای مختلف در فضاها- تعلق روحی و روانی ساکنین- فضا عامل شکل‌گیری ارتباطات قوی- کثرت تعاملات اجتماعی و روابط بین همسایه‌ها به واسطه فضاها- رعایت حریم خصوصی و عمومی به وسیله سلسله مراتب فضاها و شکل آن‌ها-
تعلقی و همبستگی (تعلق پذیری)	۴ احساس امنیت- وجود فضاهای خاطره انگیز- وجود مساجد و اماکن مذهبی در فضاها با امکان ایجاد پاتوق- انسجام و مشارکت در ساکنین- وجود مکان‌های متناسب به افراد مثل کوچه خوشرو و کوچه شتردارها- برگزاری مداوم رویدادهای جمعی- حضور و تردد آسان- نقاط شاخص برای تجمع
تعلقی و مشارکت و جامعه پذیری و مفهوم عضویت در خانواده بزرگ	۵ اشتراک در داستان زندگی- اشتراک در هویت اجتماعی- اشتراک خاطرات- روابط بسیار صمیمی خواهرانه و برادرانه بزرگسالان- رابطه دوستانه کودکان- احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر- انجام فعالیت‌های مشترک- بحث اعتماد گروهی- آشنا بودن همه ساکنین با هم- حساس بودن نسبت به تازه واردین در محله
زیست امیدوارانه	۶ احساس ماندگاری- عدم وجود تهدید- احساس مالکیت- داشتن حس حمایت و پشتیبانی- نگهداری از محله- حضور و تردد آسان- تشکلهای دوستانه- برگزاری مداوم رویدادهای جمعی- دیدار گاه بودن- حس سرزندگی و نشاط اهالی- کیفیت زندگی- عناصر خاطره ساز موثر در ایجاد هویت- تعلق روحی و روانی ساکنین نسبت به هم- وجود فضاهای مختلف برای تعاملات اجتماعی بین ساکنین

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۰)

خط سیر داستان

خط سیر داستان با استفاده از مقولات به دست آمده و همینطور در دنباله توجه به مقوله هسته به این صورت ارائه شده است:

- محله مرکزی برای زندگی (زندگی جمعی)

در مصاحبه‌های انجام شده و در مفاهیم ایجاد شده حاصل از داده‌ها دیده می‌شود که برای اکثریت قریب به اتفاق مشارکت‌کنندگان محله به عنوان مامنی برای زندگی جمعی شناخته می‌شود. جایی که رابطه شخص با دیگران از طریق فضاهای موجود در آن تعریف می‌شود. در مصاحبه یکی از ساکنین آمده است: "دنیای من توی این کوچه‌ها و زیر این آسمون با همسایه هاست" رابطه عاطفی عمیق بین ساکنین باعث ایجاد حس همدلی است که در بطن خود دلگرمی نسبت به وجود حمایت را به دنبال دارد. دوستی‌ها و الفت‌ها چنان بین ساکنین پررنگ است که حتی مرز پیوند خونی را پشت سر می‌گذارد. خانمی ۶۰ ساله می‌گوید: "با بچه‌های همسایه‌ها آنقدر در این کوچه سربالایی می‌دویدیم که نفسی نمی‌موند" عملاً دلبستگی به ساکنان و بودن در کنار یکدیگر به لطف وجود فضاها مهمترین عامل پیوند عاطفی آنهاست.

- ارتقاء کیفیت زندگی

چند عملکردی بودن و انعطاف پذیری فضاهای موجود در محله باعث ایجاد عرصه‌های گوناگون جهت سطوح مختلف برای تعامل بوده است. معابر مسقف و کوچه‌های سرپوشیده و ساباط‌ها و ورودی‌ها از جمله فضاهایی هستند که دقیقاً با تفکر پیش اندیشیده ای برای شکل‌گیری روابط صمیمانه و دوستی‌ها ایجاد شده‌اند و طوری این

وظیفه را به درستی انجام داده اند که در پس سالها همچنان در مقام مقایسه با ساخت و ساز جدید شهر عاملی برای ارتقاء کیفیت زندگی از سوی ساکنین اعلام می‌شوند. خانمی ۸۳ ساله که در ورودی منزلش نشسته می‌گوید: "اینجا خونه مادرم بود از ۱۲ ماه سال نصف سال ما و همسایه روی این سکوها [اشاره به پیرنشین‌های دو سمت ورودی] زندگی رو می‌گذروندیم" باورها و عقاید دینی و عرفی جامعه محلی زمینه ساز ایجاد فضاهایی در محله بود که دارای حریم و سلسله مراتب در عرصه‌های مختلف بودند و این خود حس امنیت و آسایش را برای استفاده کنندگان به دنبال داشت.

-سرزندگی و ارتباط

وجود عملکردهای متفاوت که به صورت متداخل در جوار یکدیگر جهت استفاده از فضاها در زمان‌های مختلف مثل بازارچه، ورودی مسجد و تکیه، ساباط و... امری است که باعث افزایش ارتباط ساکنین و ایجاد حسی از سرزندگی بوده، آقای ۷۸ ساله از ساکنین در صحبتش می‌گوید: "صدای بازی بچه‌ها وقتی خوش و خرم از زیر بازارچه می‌دویدیم [اشاره به بازار عزیز] هنوز تو گوشه، چقدر خوش بودیم اونموقعها". فضاهای شهری نیمه عمومی در محلات از جمله فضاهایی بودند که به راحتی امکان تجمع و ارتباط همسایگان را در خود برای ساعت‌های زیادی از روز فراهم می‌کردند. خانمی ۶۲ ساله می‌گوید "خونه ما انتهای یک کوچه بن بست بود و ساباط داشتیم دوتا خونه هم بیشتر نبودیم ننجان [مادر بزرگ سرکار خانم] اول صبح آب می‌پاشید دم در و بعد ما با بچه‌های همسایه زیرانداز مینداختیم و حاج خانوم پته می‌دوخت و به ما هم یاد میداد..."

-همبستگی و تعلق پذیری

وجود مساجد و اماکن مذهبی با مشخصاً فضای بازی که جلوی آنها قرار می‌گرفته امکان برگزاری مراسمات مذهبی چه عزاداری و چه جشن‌ها را فراهم می‌کرده و در سایر مواقع هم به عنوان پاتوقی برای جمع شدن اهالی خصوصاً آقایان در سنین مختلف بوده، از جمله مواردی است که از حس انسجام اهالی در ایجاد فضاهایی برای همبستگی هرچه بیشتر بین خود نشأت گرفته و هم اینکه در ایجاد حس علاقه و تعلق و وابستگی به محل زندگی در میان ساکنین نقش بسیار ایفا می‌کرده است. آقای ۷۳ ساله در مصاحبه خود می‌گوید "محوطه تکیه ته باغ له هر موقع می‌رفتیم یه گروهی نشسته بودند به حرف و گپ آماده بودند اگر کاری داری چرخ دوچرخه ای پنچر شده... باری می‌خواهی بیاری از خیابون... کمکت بدن" و ادامه می‌دهد "کی دلش میاد از اینجا بره؟! خیابان سادات خوشرو رو میبینی؟! چه همه خونه خراب شد ولی بیا ببین که با هر بهونه ای صاحبشون سر میزنن به اینجا"

-جامعه پذیری (عضویت در یک خانواده بزرگ)

با دقت در فضاهای محله می‌توان دریافت که هر فضایی سعی دارد سطحی از تعامل ساکنین را در خود بپذیرد گو اینکه در اصل برای سطحی خاص از ایجاد ارتباط هم شکل گرفته است. سکوه‌های جلوی ورودی‌ها که خود در ظاهر یکسان ولی در عمل متفاوت از یکدیگر هستند و گاه کوچک هستند و گاه بزرگ در خانه ارتفاعی برای نشستن دارند و در ورودی حمام و مسجد متفاوت از خانه ولی در بطن، همگی هدفی یکسان دارند: کمک به شکل گیری الگوهایی از تعامل و مشارکت ساکنین. مفهوم جامعه پذیری و حس مسئولیت در قبال دیگر ساکنین بوسیله ایجاد فضاهای شهری با عرصه‌های متفاوت خود بسیار تقویت شده است. خانم ۶۸ ساله ساکن یک کوچه بن بست

می‌گوید "ما با بچه‌های همسایه عین خواهر و برادر بودیم الانم که همه نوه داریم و زندگی، بازم گاهی حرفی رو که به خواهر نگفتم به ... خانم دختر همسایه میگم، کم از خواهر برام نیست..."

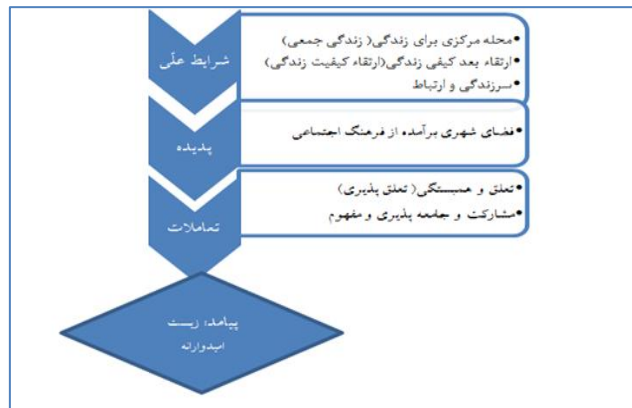
زیست امیدوارانه

دختر خانم پیرمردی ۸۹ ساله که دچار آلزایمر است و در کوچه مسجد خواجه خضر ساکن است می‌گوید: "بابا با اینکه فراموشی گرفتن ولی دل از اینجا نمی‌کنن هر شب موقع اذان مغرب میارمشون مسجد تا اذان گفته بشه اینجا، اشاره به پله‌های ورودی تکیه خواجه خضر] میشینن بعدم موقع اذان هم محله ای‌ها میبرنشون داخل کنار صف نماز جماعت ... بابا انگار خاطره‌های دور هنوز توی ذهنش هستن..." "ایجاد حس حمایت و پشتیبانی به وسیله فضاهای شهری چند عملکردی، حسی از مالکیت که برای ساکنین به وجود آورده است و عاملی است که می‌توان آن زیست امیدوارانه نامید. شکل‌های دوستانه از جمله صحنه‌هایی است که در فضاهای شهری باقی مانده از گذشته‌های محله به وفور دیده می‌شود البته شرایط بیماری کرونا گرچه شرایط حضور را بسیار محدود کرده، ولی همچنان قابل رویت است. جریان زیست امیدوارانه رامی‌توان در بحث نگهداری از محله هم توسط ساکنین محلی دید. حضور و تردد آسان در فضاهای محله در کنار برگزاری مداوم مراسمات مذهبی و رویدادهای جمعی که باعث دیدارگاه شدن فضاهای شهری محله می‌شود عملاً حسی از نشاط و شادابی را برای اهالی به همراه دارد.

نتیجه‌گیری

در تعریف خط داستان این پژوهش، دسته‌بندی مقوله‌ها در قالب مقولات شرایطی تعاملی پیامدی در مرحله کدگذاری محوری انجام شد تا بتوان مقوله هسته را در مرحله کدگذاری گزینشی شناسایی کرد " فضای شهری برآمده از فرهنگ اجتماعی" به عنوان مقوله هسته ای در این پژوهش شناخته شد. در مدل زمینه ای به دست آمده از تحلیل داده‌ها مقوله‌های محله، مرکزی برای زندگی (زندگی جمعی)، ارتقاء بعد کیفی زندگی، سرزندگی و ارتباط، برای فضاهای شهری محله خواجه خضر به عنوان " شرایط" مورد نیاز " فضای شهری برآمده از فرهنگ اجتماعی" در این محله توسط مشارکت کنندگان شناخته شده‌اند. این مقولات مقدمه هستند به جهت ایجاد یک فضای شهری کارآمد در محله چرا که خصوصیت فضایی در واقع جوهر روابط فرهنگی اجتماعی و فعالیت‌های شهروندان است. از وجوه تعاملی در پدیده فضای شهری برآمده از فرهنگ اجتماعی، " تعلق و همبستگی" و "جامعه پذیری و مشارکت به مفهوم عضویت در خانواده بزرگ محله" است. بوسیله فضاهایی که سبب ساز خاطره انگیزی در محله شده‌اند از جمله وجود مکان‌های متناسب به افراد خاص مثل کوچه خوشرو و کوچه تکیه ته باغ لله سباط مسجد آیت الله پورنگ و عینی شده است، عملاً حسی از مسئولیت نسبت به یکدیگر را در انجام فعالیت‌ها به صورت گروهی در فضاهای شهری ایجاد کرده است و به خوبی بر اهمیت " باهم بودن" تاکید دارد. و در نهایت پیامد فضای شهری برآمده از فرهنگ اجتماعی، زیست امیدوارانه در بین ساکنین است که به احساس مالکیت، حسی از حمایت و پشتیبانی و نگهداری از محله و احساس ماندگاری به جهت عدم وجود تهدید برای سکونت می‌انجامد. شرایط، تعاملات و پیامد بحث شده پیرامون " مقوله هسته ای" در قالب مدل زمینه‌ای برای تاثیر فرهنگ اجتماعی در فضای شهری محلات قدیمی (مطالعه موردی محله خواجه خضر کرمان) ترسیم شده است.

نمودار ۱. مدل زمینه ای فضای شهری فرهنگی اجتماعی در محله خواجه خضر کرمان



منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۰)

پیشنهادات

از آنجا که فضاهای شهری در محله‌های مسکونی امروزی از روح زندگی و زیست معنادار انسانی فاصله گرفته‌اند، توجه به عوامل تاثیرگذار فرهنگ اجتماعی در محله‌های سنتی و تعمیم شاخص‌های آن در محله‌های امروز یکی از موارد مهم در طراحی فضای شهری در محله‌های مسکونی خواهد بود. چگونگی‌های این تأثیر می‌تواند یک نظریه تبیینی در اختیار دانش شهرسازی معاصر قرار گیرد تا احتمال توفیق در امر بازآفرینی در بافت‌های قدیمی و همچنین ساخت‌های جدید شهری را افزایش دهد. توجه به خلق فضاهای شهری در محله‌های جدید که در راستای پیوند با گذشته باشد باعث هویت مندی، افزایش تعلق ساکنان به محل سکونت و بالا رفتن سطح تعاملات اجتماعی و به دنبال آن جلوگیری از انواع آسیب‌ها در اجتماع خواهد بود هم‌چنان‌که تلاش در احیای این فضاها در بافت‌های قدیمی مطمئناً تاثیر فراوانی در کیفیت زندگی فعلی در این بافتها خواهد داشت. ایجاد فضای شهری که به جهت تعامل در سطوح مختلف در محله ایجاد شده باشد ضمن افزایش سطح کیفی زندگی، در ایجاد حس هویت و تعلق ساکنین به هم، با عناصری که در ذهن ساکنین خاطره ساز خواهد بود، در پس گذر ایام حس امیدواری نسبت به آینده و علاقه مندی به سکونت در محله را به واسطه وجود فضاهای شهری در محله ایجاد خواهد کرد. شکل‌های دوستانه ایجاد شده بواسطه الگوهای مختلف فضاهای شهری در محلات و برگزاری مداوم رویدادهای گوناگون جمعی در این فضاها، خود باعثی است برای ایجاد حس دیدارگاه بودن فضاها و عاملی برای نشاط اهالی، که مسلماً در بحث کیفیت زندگی در محله تاثیر زیادی خواهد داشت و می‌تواند الگوی مناسبی برای اصول و کیفیت‌های لازم فضای شهری درون محله ای در شهرسازی معاصر باشد.

منابع

ادیبان مهدی (۱۳۸۷) گردآوری و طبقه بندی مسائل فرهنگ عمومی کشور و اولویت بندی بر اساس نظر نخبگان فرهنگی. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

استرابی آشتیانی، حمیده؛ اعتصام، ایرج؛ ماجدی، حمید (۱۴۰۰). تعیین الگوهای کاهش آسیب پذیری هویت فرهنگی اجتماعی شهرک اکباتان تهران، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال یازدهم شماره ۴: ص ۲۴۱ - ۲۵۹

اشتراس، آنسلم؛ کوربین جولیت (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

- افروغ عماد(۱۳۷۹). فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی. تهران: فرهنگ و دانش.
- پاسدار شیرازی، مظفر؛ صادقی، علیرضا(۱۳۹۳). تاثیر باورها و مراسم آیینی در پایایی و پویایی فضاهای شهری مورد پژوهی تعزیه در پایای حسینه‌ها تکایا در ایران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۸: ۳۰۱ - ۳۳۲
- پین، مایکل(۱۳۸۹). فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته، ترجمه پیام یزدان جو، تهران: نشر مرکز.
- ذوعلم، علی(۱۳۷۹). مقدمه ای در باب تعریف فرهنگ عمومی، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۵: ۴۲ - ۵۳
- رضایی شریف، علی(۱۳۹۱). پیوند با مدرسه: نظریه‌ها تحقیقات و روشهای اندازه گیری. تهران: دیار.
- سیف الدینی، فرانک(۱۳۸۱). مبانی برنامه ریزی شهری. تهران: آیش.
- شالچیان، طاهره(۱۳۷۳). مسائل فرهنگ عمومی، فصلنامه فرهنگ، شماره ۵: ۸۲ - ۶۸
- فردرو، محسن و دیگران(۱۳۸۰). فرهنگ (مجموعه مقالات). تهران: آرون
- فکوهی، ناصر(۱۳۸۹). چشم انداز فرهنگ عمومی و نظام دانشگاهی در ایران و جهان، نشریه برگ فرهنگ، شماره ۲۱: ص ۲۲-۳۵
- لک، آزاده(۱۳۹۳). کاربرد نظریه زمینه ای در پژوهش‌های طراحی شهری، فصلنامه صفا، دوره ۲۴، شماره ۱: صفحه ۴۳-۶۰
- محمدپور، احمد(۱۳۹۷). ضد روش(زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی). تهران: لوگوس
- محمدی زاده سماکوش، صمد؛ صبوری خسروشاهی، حبیب؛ رونقی نوتاش، مهناز(۱۴۰۰). عوامل موثر بر هویت محله ای در شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، سال یازدهم شماره ۴: ص ۱-۱۶
- مدنی پور، علی(۱۳۸۹). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه فرشاد نوریان، تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران
- مرعشی سید جعفر و دیگران(۱۳۷۶). پیرامون فرهنگ عمومی کشور عمومی کشور. تهران: سازمان مدیریت صنعتی
- گیدنز، آنتونی(۱۳۷۳). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- گل، یان(۲۰۰۲). فضاهای عمومی و زندگی جمعی، ترجمه علی غفاری و صادق سهیلی پور، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹
- Copic, v. (2012). management of Culture as a tool of public policies on finished transition in culture as managerial problem. Zbornick Radova Fakulteta Dramskih Umetnosti, 21, 95-106
- Inglehart, R (2010). Modernization cultural change and democracy: the human development sequence, Cambridge: Cambridge University Press.
- R. Burke Johnson, Examining the validity structure of qualitative research - Education, 1997 - Volume 118, Pages 282-293
- Mead, M. ed., 1955. Cultural patterns and technical change (p. 18291297). New York: New American Library.
- Shuffer, M.S. (2008). Public Culture: Diversity, Democracy, and Community in the United States, University of Pennsylvania press.